

شعر تجسمی و صدا معنایی در سبک آذربایجانی

دکتر بهروز بامدادی

عضو هیات علمی واحد مرند

چکیده

شاعران به عنوان هنرمندان و نقاشان طبیعت و صور خیال، شیوه‌های شگرفی در ایجاد و خلق یک اثر به کار می‌برند گاه با تجسم و تصویر آفرینی و روی آوردن به حرف‌گرایی و با استفاده از تشبیه مضمراً، امر ذهنی و خیالی را عینی می‌کنند، به عبارت دیگر شعر را از بُعد شنیداری به بُعد دیداری سوق می‌دهند این ویژگی در شعر صرف نظر از نشان دادن قدرت و توانایی شاعر سبب می‌شود مخاطب خیلی سریع در درک و فهم تصویر ذهنی به مقصود نایل آید و مخاطب نه تنها از طریق گوش بلکه از طریق چشم و تابلوی ترکیب و تکرار حروف و کلمات، عمل یا کاری را که منظور نظر شاعر بوده است به ذهن متبادر می‌شود.

واژه‌های کلیدی :

شعر تجسمی، صدا معنایی، حرف‌گرایی، تکرار حروف و کلمات

امروزه شعر و شاعری، زوایای هنری بسیار دقیق و زیادی پیدا کرده است و شاعر علاوه بر هنر ترکیب لغات یا ذوق ترکیب سازی و وسعت بخشیدن به گنجینه لغوی زبان، باید مثل یک هنرمند نقاش یا پیکر تراش به فن تجسمی کردن شعر نیز توجه داشته باشد به عبارت ساده تر: شعر را از جنبه شنیداری به جنبه دیداری سوق دهد. شاعر باید بتواند تصویر ذهنی مورد نظرش را برای خواننده یا شنونده شعرش، نقاشی کند یا صدای ذهنی مورد نظرش را به کمک امکانات لغوی شعر، برای خواننده اش بنوازد. در برخی موارد به این تصاویر حجم و بعد بدهد و علاوه بر تصویر، پیکری نیز بتراشد. پس شاعر امروز یک نقاش، یک موسیقیدان و یک پیکر تراش نیز هست و همین ویژگی هاست که شاعر را هنری می کند. اروپاییان دو صنعت ادبی به نام صدا معنایی (Onomatopcia) و شعر تجسمی یا کانکریت (Concrete) دارند که جنبه های هنری تصویر آفرینی و حرکت و موسیقی کلام را به کمک آنها ایجاد کنند.

خوانندگان امروزی شعر اروپایی یا شعرای متجدد و نوجوی ایرانی که به تاسی از اروپاییان، آن صنایع را به کار می برند، گمان می کنند که این صنایع مختص شعر اروپایی است؛ در صورتی که در آثار قرن ششم و هفتم یعنی سبک آذربایجانی نشانه های روشنی از این

هنرهای شعری به چشم می‌خورد. شعرای سبک آذربایجانی مثل نظامی - خاقانی ، فلکی ، مجیرالدین بیلقانی، سید ذوالفقار شروانی و ... در تصویر آفرینی و تجسمی کردن شعر اهتمام تام داشته‌اند و می‌کوشیده‌اند معانی ذهنی و انتزاعی لغات را به کمک هنر شاعری خود ، برای شنوندگان محسوس‌تر و ملموس‌تر نمایند و این دو صفت را - اگر چه برای آنها نامی ننهاده بودند - در آثارشان به کار می‌بردند. آنان از اثر جادویی تصویر و موسیقی شعر به خوبی آگاه بودند و می‌دانسته‌اند که با تکرار یا همجواری برخی حروف می‌توان حرکات و اعمالی را به ذهن متبادر ساخت .

در این مقاله به اختصار این دو صفت مورد بررسی قرار گرفته‌اند :

۱- شعر تجسمی یا کانکریت (Concrete verse) : شاعر سعی می‌کند با حرف نگاری ، تصویری به دست دهد و شعر « بصری » شود یا شعر به جای شنیداری ، دیداری بشود . شعر مجسم یا بصری شعرای آذربایجان را در چند قسمت جداگانه بررسی می‌کنیم :

الف : تصویر سازی با حروف : به دلیل آشنا بودن اشکال حروف ، امکان اتصال و انفصال و دیگر مختصات آنها ، شعرا از حروف برای ایجاد تصویر شعری بهره فراوان برده‌اند :

- خاقانی وقتی می خواهد جدایی و فاصله خود را با همشهریانش بیان کند؛ از شکل «ر» و «ز» که هرگز نمی توانند به هم بچسبند، بهره برده است:

همه همشهریان خاقانی با وی از کبر در نیامزیند
چه عجب «را» و «زا» به یک جایند لیک با یکدگر نیامیزند
دیوان خاقانی ۸۶۵/۱۲

- از ترکیب حروف کلمه «دولت» نیز - که به معنی ثروت و قدرت دلبستگی این جهان است - بهره خاصی می برد:

چه بی دولت کسی و الله که پر دولت کنی تکیه

که دولت جز «دو» و «لت» نیست چون سگ دو و «لت» بانی
دیوان خاقانی ۹۳۶/۶

- از شکل ظاهری «الف» کوفی و «دال»:
نزد رئیس چون «الف» کوفی آمدم
رتال جامع علوم انسانی

چون «دال» سرفکنده خجل سار می روم
دیوان خاقانی ۸۹۸/۱۳

- کلمه «مال» را اگر بشکنی دو جزء باقی می ماند که بخش مهم آن «ما» است:

حق می کند ندا که به مساره دراز نیست

از مال « لام » بفکن و باقی شناس « ما »

دیوان خاقانی ۴/۹

- نیوستن دو حرف « ر » و « ز » در شعر نظامی رمز پراکندگی است:
زر دو حرف است هر دو بی پیوند

زین پراکنده چند لافی چند

تا نگردي چو زر پراکنده

دل مکن چو زمین زر آکنده

هفت پیکر نظامی ۴۳/۵

- در ترکیب حروف معانی و مفاهیم خاصی می توان یافت :

در امن و عدل و ملک و دین ساکن چو اندر بسم « سین »

بر لطف چشمش مهر و کین بینی چو « ها » را « لام » هل

دیوان فلکی شروانی ۴۱/۱۰

- « لا » در ظاهر دهانی گشاده دارد :

داروی خسته دلان داد از مفرح لب

تا شد گشاده دهن ناگاه صورت « لا »

دیوان مجیر الدین بیلقانی ۱۱/۴

- از شکل حروف ، معانی تغزلی نیز استخراج کرده اند (مبنای کلام

بر تشبیه است) :

صد هزاران چشم و یک ابروست بر رخسار چرخ
تاز «میم» ماء نقاشان شب «ن» کرده‌اند
دیوان مجیر الدین بیلقانی ۶۴/۱۴

زلف سیمش به شکل جیمی
قدش چو «زلف» دهن چو «میمی»
یعنی که چو با حروف جام
شد جسام جهان نمای نام
لیلی مجنون نظامی ۱۸۲/۱۳

ب - تصویر سازی با عبارت «لا اله الا الله» از تصویر

سازی‌های مورد علاقه شعرای این سبک مخصوصاً خاقانی است :

- «لا» بیابانی فرض شده که در پیش منزل «الا الله» گسترده شده
است . «لا» دندان‌ه کلید است ، «لا» شکل اژدهاست :

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق
از تبه «لا» به منزل «الا الله» اندر آ
دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق
دندان‌ه کلید ابد دان دو حرف «لا»
بی حاجی «لا» به در دین مرو که هست
دین گنج خانه حق و «لا» شکل اژدها
دیوان خاقانی ۳/۳

- «لا» اژدهای دو سری است که شک و شرک را فرو می‌خورد :

پرواز در هوای هویت کن از خود
در پله هوا چه کنی بر تل هوان
از «لا» رسی به صدر شهادت که عقل را
از «لا» و «هو» است مرکب «لا هوت» زیران
«لا» زان اژدهای دو سر تا فرو خورد
هر شرک و شک که در ره الا شود عیان
دیوان خاقانی ۳۱۰/۶

صدا معنایی (Onomatopcia)

هر گاه از تکرار هنرمندانه حروف بتوان حرکت، کار یا عملی را به ذهن انسان متبادر کند آن را صدا معنایی می‌نامند. ممکن است این سؤال ایجاد شود که صدا معنایی چه تفاوتی با نغمه حروف یا واج‌آرایی دارد؟ باید یادآوری کرد که حوزه هنری صدا معنایی بسیار وسیعتر از نغمه حروف است در نغمه حروف فقط بحث موسیقایی شعر مطرح است در حالی که در صدا معنایی علاوه بر موسیقی کلام، تبادری نیز صورت می‌گیرد یعنی شنونده یک عمل یا کاری را به یاد می‌آورد و برای این کار قدرت ترکیب و تکرار باید به حدی باشد که این تبادر صورت گیرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- در دوبیت زیر «ترکیب و تکرار» حروف «چ ش م» صدای ریختن قطره‌های آب را به ما القا می‌کند:

از چشمه چشم من دو صد چشم گشاد	نا چشم رهی چشم تو را چشمک داد
در چشمه چشم تو چنان چشم مباد	هر چشم که از چشم بدش چشم رسید

دیوان خاقانی ۷۱/۸

- در ابیات زیر حروف «ر، د، ک، ا، ت، پ، ر» صدای پر زدن و پرواز را به خاطر می‌آورد:

در باغ رخت به کبر پرو باز کند	چون زاغ سر زلف تو پرواز کند
تا بر گل تو بفتند و ناز کند	در باغ تو زان پر انداز کند

دیوان خاقانی ۳/۳

- در ادبیات زیر صدای « س ، ل ، ش ، چ » صدای حرکت آب

و برخوردش با سنگ‌هاست :

رودی است که کوثرش عدیل است
لا بلکه ز رشک او همه سال
آبش سلسال و سلسیل است
شیدای سلسلی است سلسال
نخفة العراقین خاقانی ۱۰۳/۱۰

تا سلسله دیوان بگسست مداین را
در سلسله شد دجله چون سلسه شد بیجان
دیوان خاقانی ۳۵۸/۸

- در بیت زیر صدای حرف « ن ، ف ، ر ، م » صدای نفیر و زاری

است :

همی نفر و نفر آید بلا به منزل من
ازاین نفر نفر ای دوستان نفیر نفیر
دیوان مجیر الدین بیلقانی ۲۷۱/۸

- صدای ریختن سکه و وسایل دگر از تکرار حروف « ب ، د ، ر ،

ج ، ل ، ه » شنیده می‌شود :

بدره بدره دهد به سبیل زر
دجله دجله کشد به بسزم عقبار
گشته زان بدره بدره خجیل
بدره زان دجله دجله یسار
قوامی گنجه‌ای ،
سرایندگان شعر پارسی ص ۲۵۲

- این نمونه‌ها ، مثال‌هایی اندک از بسیار است که می‌توان زوایای

هنری شعر را در آثار شعرای آذربایجان نشان داد.

منابع و مأخذ :

- ۱- تحفة العراقین خاقانی . تصحیح و تعلیق دکتر یحیی قریب . چ ۴ . شرکت کتابهای جیبی ۱۳۵۷
- ۲- دیوان خاقانی شروانی . تصحیح دکتر سید ضیاء الدین سجادی . چ ۵ . انتشارات زوار ۱۳۷۴
- ۳- دیوان فلکی شروانی . تصحیح طاهری شهاب . ابن سینا ۱۳۴۵
- ۴- دیوان مجیرالدین بیلقانی . تصحیح دکتر محمد آبادی . انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۵۸
- ۵- سبعه نظامی . تصحیح حسن وحید دستگردی . چ ۲ . انتشارات علمی ۱۳۶۸
- ۶- سرایندگان شعر فارسی در قفقاز . عزیز دولت آبادی . نشر موقوفات دکتر افشار ۱۳۶۰
- ۷- فرهنگ ادبیات و نقد ، جی . ای . کارن . ترجمه کاظم فیروزمند ، نشر شادگان . زمستان ۱۳۸۱.